



## فدا و گناه اصلی

یکی از اساسی ترین عقاید مسیحیت را آموزه «فدا» ، یعنی نجات بشریت به وسیله مرگ عیسی مسیح (ع) تشکیل می دهد . مسیحیان معتقدند که آدم (ع) گناه کرد و به وسیله او گناه و مرگ وارد زندگی بشری شد و بشر در حالت قهر با خدا قرار گرفت و از آنجا که خدا بندگانش را دوست داشت یگانه فرزند خود مسیح که همذات با خدا بود را فرستاد تا در میان بشر زندگی کند و سپس مصلوب شود تا خود را فدای گناهان بشریت بگرداند و بعد از مرگ مسیح حالت دوستی بین خدا و بشر حاصل شد و هر کس که به مسیح ایمان آورد گناهانش بخشیده می شود

### گناه اصلی

فهم درست آموزه فدا با امر دیگری به نام « گناه اصلی» پیوند خورده است. به اعتقاد مسیحیان پس از آنکه آدم و حوا دچار گناه شدند ، آثاری چند از گناه بر جای ماند . یکی از آن آثار این است که گناه در نسل بشر شروع شد و مردم به گناه کردن مبادرت ورزیدند . این امر سبب بریده شدن پیوند میان خدا و انسان شد و انسان از خدا دوری گزید . در واقع آدم با گناه خویش تمام فرزندان خود را دور از خدا نگاه داشت . در نتیجه انسانها همه با مرگ، همنشین شدند و مرگ چون میراثی از نسلی به نسل دیگر راه پیدا کرد.

مقصود از این مرگ ، مرگ روحی و فساد ذاتی است. یعنی تمام انسانها در زمان تولد فاسد بوده و این فساد در تمام جنبه های زندگی آنان وارد شده است. انسان تازه تولد یافته، چیز نیکویی در خود ندارد تا خدا را راضی کند و هیچ قدرتی ندارد که وضع خود را تغییر دهد . به بیان دیگر انسانی که تازه پای به دنیا می نهد ، مملو از شهوات ، زشتیها و گناهان بوده و یکسره در زیان است.

آدم با گناه خویش ، سبب نابودی صورت خداوندی در خود گشته و دوستی میان خود و خدا را از بین می برد، اما از آنرو که توبه کرده و خداوند هم توبه او را پذیرفت، هنوز خدا در دل او جای داشته و از او دور نشد. حتی خداوند به او وعده داد که او را از دست شیطان رها کرده و بر او پیروز خواهد نمود ، همچنین خداوند گفت: کسی را خواهد فرستاد تا بشریت را از گناهان دور نموده و بار گناهان انسان را به دوش کشد. او سبب باز شدن در های ملکوت و صلح و دوستی دوباره میان خدا و انسان خواهد بود.

پس از به درازا کشیدن انتظار و زمان طولانی ، خداوند ، تنها فرزند خود را فرستاد، تا بشریت را از گناهان نجات داده و عهد جدید میان خدا و انسان ببندد. دردها و رنجهایی که یگانه فرزند خدا کشید سبب شد تا سنگینی بار گناه از دوش آدمی سبک شده و او پاک گردد و زندگی جدیدی را آغاز نماید.

### نقشه خدا برای قربانی

بشر سقوط کرده ای که به این وضعیت دچار شده چگونه می بایست دوباره با آفریننده خود متحد گردد؟ انسان نیاز داشت تا رهایی یابد اما چه کسی می توانست رها کننده او باشد؟ و برای این رهایی نیاز به یک قربانی بود تا تقدیم خدا شود و آشتی دوباره میان خدا و بشریت مهیا گردد خدا نقشه شگرفی را در نظر داشت. البته این نقشه چیزی نبود که پس از سقوط انسان آن را طرح کرده باشد، بلکه قبل از آفرینش دنیا آن را طرح ریزی کرده بود انسان نمی توانست خود را نجات دهد. تنها کسی که گناهی نداشت می توانست عدالت خدا را بر آورده سازد. کسی که می بایست جایگزین انسان شود و جریمه و مجازات گناه بشر را متحمل گردد خود باید یک انسان باشد. او می بایست از گناه میرا باشد تا بتواند برای گناهکاران جان بدهد. چون بشر نمی توانست چنین رها کننده ای را مهیا نماید در نتیجه، این نجات دهنده می بایست از طرف خدا فرستاده شود.

با همین مقصود بود که خدا در شخصیت یگانه فرزندش عیسی مسیح که از باکره ای توسط روح القدس باردار شده بود، جسم پوشید و به این جهان آمد تا به عنوان جایگزین انسان گناهکار، خود را به عنوان قربانی تقدیم نماید.. در عهد جدید تشریح شده است:

ای خدا خون گاو و بز نمی تواند تو را خشنود سازد تا گناه انسان را ببخشایی. پس این بدن را برای من مهیا ساختی تا همچون قربانی بر قربانگاه تو فدا کنم. از قربانی کردن حیوانات راضی نبودی، یعنی آن حیواناتی که برای کفاره گناه، در حضور ذبح می کردند و می سوزاندند. پس گفتم: اینک من آمده ام تا اراده تو را به جا آورم، آمده ام تا مطابق پیشگویی کتاب آسمانی، جان خود را فدا سازم

عیسی مسیح با آمدن به این جهان جایگزین انسان شد و جریمه و مجازات کامل گناه را بر خود گرفت چون او انسان بود، در نتیجه می توانست بمیرد و چون در عین حال خدا بود می توانست برای گناهان همه جهانیان جان بدهد.

در اینجا می بینیم که خدا در بحبوحه این سقوط فزاینده بشر و داوری سختی که این سقوط در پی داشت، راهی برای نجات بشر مهیا نمود. مسیحیان در یک جمله می گویند: " خدا در مسیح بود و جهان را با خود مصالحه میداد "

مسیح حاضر شد که بدترین و رنج آور ترین نوع مرگ را که صلیب بود بپذیرد و حتی بقدری خوار شد که در میان دو دزد مصلوب و در بالای صلیب نیز برای نجات دزدهایی که با او مصلوب شده بودند فکر میکرد. خدا فداکاری مسیح را که در مصلوب شدن وی عملی گردید قبول کرد

### سیر پیدایش اعتقاد به فدا

اناجیل چهارگانه هیچ اشاره ای به گناه اصلی و فدا ندارند. و هیچ یک از نویسندگان اناجیل چهار گانه از فدا و سرایت گناه آدم به تمام بشریت سخنی به میان نیاوردند و برای اولین بار پولس در نامه هایش به ویژه نامه او به رومیان از این آموزه سخن گفته اند. پولس می گوید:

وقتی آدم گناه کرد ، گناه او تمام نسل بشر را آلوده ساخت و باعث شیوع مرگ در سراسر جهان شد. در نتیجه همه چیز دچار فرسودگی و تباهی گشت . چون همه

انسانها گناه کردند. [2]

بنابر این پولس نخستین کسی است که از گناه اصلی و سپس آلوده شدن به گناه سخن گفته است. پولس همچنین بر آن است، همانگونه که گناه و مرگ به وسیله یک انسان وارد جهان شد، نجات نیز توسط یک انسان صورت خواهد گرفت؛ از همین رو می گوید:

در نتیجه گناه یک انسان یعنی آدم، مرگ و نابودی همه چیز را در چنگال خود گرفت؛ اما تمام کسانی که هدیه خدا یعنی آموزش و پاکی کامل از گناه را می پذیرند، از آن پس شریک حیات و سلطنت یک انسان دیگر یعنی عیسی مسیح می گردند.....

بنابراین همانگونه که آدم سبب شد تا همه فرزندان جسمانی او از بار گناه سنگین شوند، مسیح با عث شد تا فرزندان روحی او از گناه پاک شده و خوشبخت گردند. و میبینیم که سنگ بنای این اعتقاد را پولس گذاشت و مسیح به این امر توجهی نمیگرد

پرسشهای اساسی در مورد فدا

ولی این آموزه با پرسشهای اساسی رو به رو است و اشکالات متعددی به آن میشود که در این مجال به بررسی برخی از آنها میپردازیم چرا مسیح و حواریون در این باره هیچ نگفتند؟

از خلال سخنان آمده دریافتیم، که آموزه فدا، اگر مهمترین رکن اعتقاد مسیحی نباشد، یکی از مهمترین ارکان آن به شمار می آید. و از سوی دیگر گفتیم که نخستین بار پولس به آن اشاره میکند. با اندکی تأمل این سؤال بر ما هجوم می آورد که آیا می توان گفت مسیح (ع) از آموزه ای با این اندازه اهمیت غافل مانده و یا آن را از خاطر برده است؟ اگر هدف او نجات بشریت بوده آیا ممکن است که آن را برای مردم تبیین نکرده باشد؟ و آیا مردم نمی دانسته اند که جانشان آلوده به گناه است؟ و این عیسی که در برابر آنها موعظه می کند همانی است که برای نجات آنها آمده است؟ آیا مسیح (ع) باید همه اینها را از یاد برد و بازگویی همه این موارد را به فردی که سبب آزار فراوان پیروان مسیح (ع) می گشت و از شاگردان او هم نبود واگذرد؟ آیا در خور و سزاوار نبود که مسیح دست کم رسولان خود را از این عقیده آگاه می ساخت تا آنها هم مبلغ آن باشند؟

از اینها که بگذریم هیچکدام از اناجیل به مسئله فدا اشاره نمی کنند. متی و یوحنا که هر دو از شاگردان و رسولان مسیح بوده اند نه از فدا و نه از گناهان مسیح هیچ نمی گویند، مرقس نیز که از شاگردان پطرس رسول بوده و انجیل خود را برگزیده تعالیم او میدانسته به این آموزه توجهی ننموده در حالیکه خود مرقس از همراهان پولس به شمار میآید. لوقا هم که در برخی از سفرهای پولس یار او بوده هیچ گزارشی از گناه اصلی و فدا نداده است.

پرسشهایی از این دست آموزه فدا را هر چه بیشتر با تردید همراه می سازد آموزه ای که نه مسیح و نه هیچ یک از شاگردان او از آن سخن نگفته اند. این آموزه پیش از هر چیز زائیده تخیل پولس است.

عاقبت انبیاء و پارسایان قبل از مسیح چه می شود؟

افزون بر این آموزه فدا با پرسش دیگری هم روبروست و آن اینکه اساساً گناه آدمیان، از قرون نخستین تا زمان عیسی (ع) چه بوده، آیا همه آنها گناهکار بوده اند و مورد بخشش پروردگار قرار نگرفته اند؟ در حالیکه در تمام کتاب مقدس از انسانهای بزرگی چون پیامبران و اولیاء الهی، پرهیزکاران و کسانی یاد می شود که در راه خدا جان باخته اند.

خود مسیح در عهد جدید از زکریا سخن می گوید. حال باید پرسید انسانهایی اینچنین روی به کدام سوی دارند؟ آیا به سبب گناه اصلی و نیامدن منجی باید راه آتش در پیش گیرند؟ و یا راه دیگری هم هست؟

مسیحیان در برابر این پرسش مهم، پاسخی مخالف عقل و فطرت داده اند آنان به سادگی در باره پیامبران گذشته می گویند گناهکارانی که پیش از آمدن منجی مرده اند پایان کارشان روشن است و اما پرهیزکاران با این امید خالص جان داده اند که مسیح سرانجام روزی آمده و آنها را از آتش الهی خواهد رها کند.

بنابر این باید گفت که همه پیامبران بزرگ مانند نوح، ابراهیم، موسی، داوود، اسحاق، یعقوب و دیگر پیامبران الهی در جهنم منتظر آمدن مسیح و نجات خود بوده اند. در حالی که این گفته نا سازگار با عهد جدید هست. آنجا که متی روایت گر کلام مسیح می شود:

این را به شما بگویم که عده زیادی از قومهای غیر یهود مانند این افسر رومی، از سراسر دنیا آمده در درگاه خداوند با ابراهیم و اسحاق و یعقوب همنشین خواهند شد.

[4]

بر این باید افزود که مسیح، جایگاه کودکان را در ملکوت خداوند می بیند و به آن تصریح می کند. افزون بر آن جای جای عهد جدید نشانه های بزرگداشت عیسی مسیح (ع) از پیامبران خداوند را به همراه دارد او تأکید می کند که آنان جایی جز ملکوت خداوند آموزه ای که با تعالیم عهد عتیق منافات دارد.

مسیحیان عهد عتیق را کاملاً می پذیرند و آن را قبول دارند در حالی که آموزه فدا با تعالیم عهد عتیق منافات دارد و آگ بخواهیم آموزه فدا را بپذیریم باید مسایل اساسی عهد عتیق را به کناری نهیم مثلاً از جمله آموزه های عهد عتیق این است که:

- هرکس به گناه خودش عقاب می شود

یکی از آموزه های کتاب مقدس این است که هر کسی باید گناه خود را به دوش بکشد و کسی هیچ کس بار کس گناه دیگران نمیشود، مثلاً در کتاب حزقیال می خوانیم:

هر که گناه کند خودش خواهد مرد؛ نه پسر برای گناهان پدرش مجازات خواهد شد و نه پدر برای گناهان پسرش، انسان خوب و درستکار، پاداش خوبی و نیکوکاری خود را خواهد یافت و انسان بد کردار نیز به سزای اعمال خود خواهد رسید

و با این وجود مسیحیان میگویند نسل آدم بار کس گناه آدم شد و باید مسیح میآمد تا بار گناه را از دوش بشر بردارد

باید توجه داشت که مسیحیان در اینجا بین گناه فردی و اجتماعی تفاوت گذاشته و از رهگذر آن دست به توجیه آموزه بالا می زنند، اما حقیقت آن است که این امر هم کمکی به حل مشکل یاد شده نمی کند.

- خدای عهد عتیق بخشنده است:

مسیحیان میگویند که وقتی آدم گناه کرد رابطه بین بشر و خدا تیره شد و باید یک نفر قربانی میشد تا این رابطه خوب شود و دوستی برقرار گردد در حالی که خداوند بدون قربانی هم میتواند گناه بنده اش را ببخشد و عهد عتیق هم به این مطلب اعتراف دارد در عهد عتیق بارها تأکید شده که خدای عهد عتیق هم بخشنده است، اگر آدم گناه کرده خداوند می تواند گنااهش را ببخشد و انسان را از بار گنااهش نجات بخشد.

داوود درزمزم میگوید، « خدای من و صخره نجات من»

و نیز می سراید: « ای یهوه خدای من، من را اعانت فرما و به حسب رحمت خود مرا نجات ده»

و این چنین خدایی می‌تواند بدون اینکه خود لباس جسم بیوشد و خود را قربانی کند نیز گناهان بشر را ببخشد

تردید هایی در باره مصلوب شدن مسیح

قرآن مجید در باره مصلوب شدن مسیح نظر خاصی دارد و می‌فرماید که

« مسیح به صلیب کشیده نشد و کشته نشد و لکن امر برایشان مشتبه شد»

و در روایات اسلامی داریم که شخص دیگری به جای مسیح به صلیب کشیده شد اما اکنون در پی آن هستیم تا ببینیم کتاب مقدس در این باره چه می‌گوید

شبهاتی در باره مصلوب شدن عیسی مسیح مطرح است که اگر بخواهیم با دیده تردید به آن نگاه کنیم متوجه می‌شویم به صلیب کشیده شدن مسیح حتی در خود

اناجیل هم مورد مناقشه است

مثلا نویسندگان اناجیل داستان صلیب را با تناقضات و اختلافات بسیاری مطرح کردند

و وقتی راویان داستان صلیب را نقل میکنند شخصیت کسی که به صلیب کشیده میشود با شخصیت مسیح در باقی اناجیل تفاوت فاحشی دارد

و میتوان اثبات کرد که هیچ یک از راویان داستان صلیب خود از نزدیک شاهد ماجرا نبودند و همینطور همه حواریون از معرکه گریخته بودند و هیچ یک از ایشان از نزدیک

مصلوب شدن مسیح را به تماشا ننشست

و اگر این همه تردید در یک واقعه باشد جای دارد که یک انسان بی طرف نسبت به صحت آن شک کند و ما در کتابی مجزا این مساله را مورد بررسی قرار میدهم

ریشه های آموزه فدا در ادیان بت پرستی

به اعتقاد برخی پولس رسول برای جذب هر چه بیشتر بت پرستان برخی از آموزه های بت پرستی را وارد مسیحیت کرد و عقیده به اینکه کسی باید جاننش را بر روی

صلیب فدا کند تا گناهان بشر خلاصی یابد مخصوص مسیحیت تنها نیست ، و در تاریخ گذشته و در امتهای و گروه های مختلف کسانی بودند که پیروانشان در باره ایشان

میگفتند آمده اند تا با اهدای جان خویش بشریت را نجات بخشند و این مطلب ریشه تاریخی و قدیمی دارد. و در هندیان بت پرست مصریان قدیم و... ریشه دارد به اعتقاد

ویل دورانت: «مسیحیت بت پرستی را نابود نکرد ؛ بلکه آنرا مورد اقتباس قرار داد.»

در دیباچه کتاب تاریخ مسیحیت اثر ادوارد گیبون میخوانیم: «اگر بت پرستی مغلوب مسیحیت شد ، مسیحیت نیز به همان میزان به بت پرستی آلوده گشت.» و برخی از

آموزه های بت پرستی وارد آیین مسیحیت شد

امتهای پیشین در یونان هم به فدا اعتقاد داشته اند . همانطور که (ویل دورانت یک مورخ مسیحی ) تأکید کرده است.

که مردم مصر و آسیای میانه و قسمتی از یونان به آمدن منجی اعتقاد داشته اند . اعتقاد داشته اند به اینکه خدای ایشان منجی است ، که می میرد تا خود را فدای

فرزندان انسان کند . در حالیکه این عقیده جزء عقاید مسیحیان است

بودا و عقیده به فدا:

بوداییان هم معتقدند بودا خود را فدا میکند تا گناهان بشر بخشیده شود

وی خودش را فدا کرد تا جهان را از رنج و سختی نجات میدهد و خود را برای نجات انسانها و بخشیده شدن گناهانشان فدا میکند تا انسانها حکومت آسمانها را به ارث

ببرند ولادت او به این خاطر بوده است.

مصریان قدیم و عقیده فدا :

مصریان قدیم نیز پسر بچه ای را به قربانگاه تقدیم میکردند در بین راه وی راشکنجه و آزار میدادند و بر سرش دسته گلی میگذاشتند و سپس وی را در درگاه «الاهه

اوزیروس» قربانی میکردند تا از شر بدیها نجات یابند

مصریان به «الاهه اُدسیریس» احترام می گذاشتند و می گفتند او باز می گرددو بزرگترین قربانی برای نجات بشریت است و هیچکس جز او توانایی انجام این عمل را

ندارد ..

در پایان نتیجه میگیریم که این اعتقاد از بدعتهای پولسی است و هیچ ریشه ای در تفکرات حضرت عیسی مسیح ندارد و با آموزه های عهد عتیق هم در تنافی است

علاوه بر اینکه با عدالت خدا هم منافات دارد که به خاطر گناه یک نفر بشریت را عذاب کند و باز شخص دیگری را به خاطر گناه دیگران شکنجه کند تا بتواند گناه ایشان را

ببخشاید و خداوند بدون قربانی هم میتوانست گناه را ببخشد و خداوند هیچ نیازی به ریختن شدن خون یک بیگناه برای بخشش گناه دیگران ندارد .

منبع: <http://www.porsojoo.com/fa/node/73357>